



مستحب (اصول)

شیء مطلوب **مولا**، با عدم حرمت ترک آن است.

فهرست مندرجات

- ۱- تعریف
- ۲- نکته اول
- ۳- نکته دوم
- ۴- نکته سوم
- ۵- پانویس
- ۶- منبع

تعریف

مستحب، از اقسام محکوم به است؛ یعنی شارع مقدس مکلف را به انجام عملی تشویق و تحریص می‌کند، بی آن که در آن الزامی وجود داشته باشد؛ به بیان دیگر، مستحب، عملی است که فعل آن پسندیده است و ترکش حرام نیست؛ یعنی انجام دهنده آن سزاوار ستایش می‌باشد، ولی ترک کننده آن مستحق نماند؛ مانند: **نماز** و **روزه** مستحبی.

- [۱] **حیرری، علی نقی، اصول الاستنباط** ص ۸۳.
- [۲] **فیض، علیرضا، مبدای فقه و اصول**، ص ۱۱۱.

نکته اول

در میان اصولی‌ها در این که **مندوب**، ماموریه است یا نه، اختلاف است؛ عده‌ای همانند «**مالکیه**» و «**شافعیه**» و «**حنابله**» مندوب را ماموریه می‌دانند، به دلیل این که فعل مندوب، اطاعت است؛ اما «**حنفی**» به عدم ماموریه بودن مندوب معتقدند.

نکته دوم

در این که استحباب، ملول **لفظ** است یا حکم **عقل**، اختلاف وجود دارد؛ بیشتر متأخرین معتقدند در جایی که بعث به مطلوب از سوی مولا با اراده غیر اکید باشد، به گونه‌ای که اگر مکلف با آن مخالفت کند مورد سرزنش قرار نگیرد، عقل به استحباب آن عمل، حکم می‌کند.

نکته سوم

مستحب (مندوب) سه قسم است:

۱. **مستحب مؤکد**؛ فعلی است که ترک آن عقاب ندارد، ولی ترک کننده آن مستحق مذمت و عتاب می‌شود، مانند افعالی که مکمل واجبات دینی است، هم چون: **نماز جماعت**، **اذان** و اقامه؛
 ۲. **مستحب مشروع**؛ فعلی است که فاعل آن ثواب می‌برد، ولی ترک کننده آن سرزنش و عقاب نمی‌شود، مانند: تصدق بر فقرا و روزه روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته؛
 ۳. **مستحب زاید**؛ فعلی است که از کمالات مکلف محسوب می‌شود، مانند: اقتدا به رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در امور عادی مثل خوردن، آشامیدن، راه رفتن و خوابیدن.
- [۳] زحیلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، ص (۷۸-۷۹).
 - [۴] سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۴.
 - [۵] زهیر المالکی، محمد ابوالنور، اصول الفقه، ج ۱، ص ۵۶.
 - [۶] عبدالبر، محمد زکی، تقنین اصول الفقه، ص ۱۵.

[۱۷۱](#) فاضل لنکرانی، محمد، سیری کامل در اصول فقه، ج ۷، ص ۱۱۳.
[۱۷۱](#) عبدالبر، محمد زکی، تقنین اصول الفقه، ص ۳۱.

پانویس

۱. [↑](#) [حیدری، علی نقی، اصول الاستنباط ص ۸۳.](#)
۲. [↑](#) [فیض، علیرضا، مبادی فقه و اصول، ص ۱۱۱.](#)
۳. [↑](#) [زحیلی، وهبه، اصول الفقه الاسلامی، ص \(۷۸-۷۹\).](#)
۴. [↑](#) [سجادی، جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۴.](#)
۵. [↑](#) [زهیر المالکی، محمد ابوالنور، اصول الفقه، ج ۱، ص ۵۶.](#)
۶. [↑](#) [عبدالبر، محمد زکی، تقنین اصول الفقه، ص ۱۵.](#)
۷. [↑](#) [فاضل لنکرانی، محمد، سیری کامل در اصول فقه، ج ۷، ص ۱۱۳.](#)
۸. [↑](#) [عبدالبر، محمد زکی، تقنین اصول الفقه، ص ۳۱.](#)

منبع

[فرهنگ نامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، برگرفته از مقاله «مستحب».](#)